

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۷ اگست ۲۰۲۱

اولین روز کابوس مردم افغانستان و شکست دولت-ملت سازی امریکا در این کشور!

سقوط سریع افغانستان به دست طالبان در طول تنها یک هفته، نه تنها مردم افغانستان، بلکه مردم جهان را نیز در شوک و حیرت فرو برده است.

امروز دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ برابر با ۱۶ اوت ۲۰۲۱ اولین روز کابوس مردم افغانستان و شکست دولت-ملت سازی امریکا در این کشور جنگ زده و ویران شده است.

نشست اضطراری در رابطه با وضعیت بحرانی افغانستان، روز دوشنبه ۲۵ مرداد در شورای امنیت سازمان ملل برگزار شد و نمایندگان کشورهای اروپایی و امریکا ریاکارانه درباره نقض «حقوق بشر» به ویژه حقوق زنان در این کشور و احتمال تشدید فعالیت های تروریستی در افغانستان ابراز نگرانی کردند.

حدود ۲۰ سال پیش امریکا و متحدان آن در تاتو به افغانستان حمله کردند و حکومت طالبان را سرنگون کردند اما دیروز با فرار اشرف غنی رییس جمهوری مورد حمایتی امریکا فرار کرد و نمایندگان طالبان حتی بدون شلیک یک گلوله وارد کاخ ریاست جمهوری افغانستان شدند و امارات اسلامی خود را اعلام کردند.

محمد نعیم، سخن گوی طالبان در گفت و گو با فرستنده خبری الجزیره جنگ در افغانستان را پایان یافته اعلام کرده است. گرچه طالبان از آمادگی خود برای گفت و گو با همه چهره های متنفذ افغانستان سخن گفته، با این حال ناظران احتمال برخورد خشن با مخالفان و رویکرد انتقام جویانه آن ها را منتفی نمی دانند.

طالبان وارد کابل شده و بنا بر برخی گزارش ها به کاخ ریاست جمهوری رسیده است. حامد کرزای، عبدالله عبدالله و گلبدین حکمتیار شورای انتقال «مسالمت آمیز» قدرت تشکیل دادند. اشرف غنی نیز پس از خروج از افغانستان پیامی منتشر کرد.

محمد اشرف غنی، رییس جمهور پیشین افغانستان پس از خروج از این کشور، ادعا کرده که برای مانع شدن از خونریزی زمام امور را رها کرده است.

حامد کرزای، رییس جمهور سابق افغانستان در حساب توئیتر خود خبر داده است که یک شورای هماهنگ کننده برای انتقال مسالمت آمیز قدرت با حضور او، عبدالله عبدالله، رییس شورای ملی آشتی و گلبدین حکمتیار، فرمانده سابق جنگ افغانستان تشکیل شده است تا انتقال قدرت به شکل صلح جویانه صورت گیرد.

همچنین گزارش شده که زلمی خلیلزاد، نماینده ویژه امریکا در صلح افغانستان، با مقامات ارشد طالبان در دوحه رایزنی می‌کند.



مردان تبهکار طالبان در تلویزیون افغانستان و ارگ ریاست‌جمهوری در کابل

همزمان با ورود نیروهای طالبان بر کابل و تسلط بر شهرهای مختلف افغانستان موجی از نگرانی بین شهروندان این کشور به‌ویژه زنان ایجاد شده است.

در پی انتشار اخباری مبنی بر عقد اجباری دختران بالای ۱۲ سال به جنگ‌طلبان این گروه و اعلام محدودیت‌های جدید برای حضور زنان در جامعه، همچنین کشتن شخصیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و دگراندیشان از سوی این گروه، موج تازه‌ای از رعب و وحشت در سراسر افغانستان راه افتاده است.

طالبان اعتراف کرد حالا که به قدرت رسیده، ممکن است مجازات قطع دست و پا، سنگسار و اعدام مجرمان به افغانستان بازگردد.

یکی از سخن‌گویان طالبان در پاسخ به سؤالی درباره مجازات خشونت‌آمیز مجرمان (که از ویژگی‌های حکومت طالبان در دهه ۱۹۹۰ بود) نوشت: «این به پیروان مذهبی و دادگاه‌ها بستگی دارد. آن‌ها در مورد مجازات تصمیم می‌گیرند.» سهیل شاهین در پاسخی مشخص درباره قطع دست و پا، سنگسار و کشتار دولتی به بی‌بی‌سی گفت: «هنوز نمی‌توانم به این سؤال پاسخ بدهم. این بر عهده دادگاه‌ها و قضات و قوانین است.»

این گفته‌های شاهین در حالی است که او در سایر سخنانش تلاش داشت هراس‌ها در مورد بازگشت این گروه به قدرت را از میان ببرد؛ از جمله این واهمه که رهبری گروه نتواند پیکارجویانش را کنترل کند. حکومت طالبان به دلیل مجازات‌هایی همچون اعدام در ملأ‌عام قاتلانی که دادگاه محکوم‌شان کرده بود و قطع دست و پای متهمان به دزدی، بدنام بود.

زنان تقریباً به‌طور کامل از زندگی عمومی همچون اشتغال و آموزش کنار گذاشته شدند و دختران ۱۰ سال به بالا به حضور نیافتن در مدرسه تشویق می‌شدند.

این گروه اسلامی تلویزیون، موسیقی و سینما را ممنوع و آثار تاریخی غیراسلامی را نابود کرد؛ از جمله مجسمه‌های معروف بودای بامیان در مرکز افغانستان که در سال ۲۰۰۱ نابود شدند.

ماه گذشته جنگجویان این گروه به دفاتر بانک «عیزی» شهر قندهار در جنوب این کشور وارد شدند و به ۹ زنی که آنجا کار می‌کردند دستور دادند محل را ترک کنند تا اقوام مردشان جای آن‌ها را بگیرند.

روز یکشنبه ۱۵ اوت ۲۰۲۱ نیز صدها مهاجر افغانستانی با تجمع مقابل دفتر سازمان ملل در تهران به تسلط گروه طالبان در افغانستان و بی‌توجهی جامعه جهانی به این وضعیت اعتراض کردند.

ارتش امریکا برای تجهیز و مسلح کردن نیروهای ارتش افغانستان میلیاردها دلار جنگ افزار پیشرفته به آن‌ها تحویل داده بود. اکنون بسیاری از این جنگ‌افزارها به دست طالبان افتاده‌اند، از تانک و هلی‌کوپتر گرفته تا خودروهای ضدگلوله.

این جنگ‌افزارها و از جمله شماری از پایگاه‌های نظامی ارتش افغانستان به دست طالبان افتاده است. گفته می‌شود که ده‌ها هزار نفر از سربازان ارتش افغانستان طی هفته‌های گذشته از مقاومت در برابر حملات طالبان اجتناب ورزیده و سلاح‌های خود را بر زمین نهاده‌اند.

حتی گفته می‌شود تعداد زیادی هلی‌کوپتر ارتش افغانستان نیز به تصرف نیروهای طالبان در آمده است. گرچه اعلام شده که طالبان خلبان در اختیار ندارد. اما تصرف هلی‌کوپترها توسط طالبان باعث افزایش نگرانی‌ها شده است. طالبان با انتشار این ویدیوها در شبکه‌های اجتماعی اقدام به تبلیغ گسترده با هدف تضعیف روحیه سربازان ارتش کرده بودند.

امریکا جنگ‌افزارهای حساس و پیشرفته خود را از افغانستان خارج کرده است، اما این موضوع شامل آن دسته از جنگ‌افزارهایی نمی‌شود که امریکا در اختیار ارتش افغانستان قرار داده است. اکنون این جنگ‌افزارها به طور انبوه به دست طالبان افتاده است.

امروز مردم کابل و سراسر افغانستان زیر پرچم سفید طالبان زندگی جدیدی ترسناکی را آغاز کردند. اولین نشانه زندگی جدید حضور نداشتن دختران و زنان در سطح پایتخت است. صبح کابل همیشه با حضور جمع کثیری از زنان و دخترانی آغاز می‌شد که به سوی محل کار، دانشگاه و مدرسه می‌رفتند ولی این صبح دوشنبه در کابل حضور زنان بسیار بی‌رنگ است. ترس و دلهره حضور طالبان در شهر به زنان اجازه نمی‌دهد از خانه بیرون بیایند. تقریباً کابل در حالت نیمه‌تعطیل است و تمامی نهادهای دولتی و غیردولتی از جمله بانک‌ها، رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها، بازارهای بزرگ و مغازه‌های لوازم لوکس و گران‌قیمت مانند زرگری‌ها همچنان بسته‌اند.

یکشنبه شب، گروه طالبان حضور خود در بخش‌هایی از شهر کابل را تثبیت کرد و تقریباً بیش‌تر پاسگاه‌های پلیس را در کنترل گرفت. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، در مصاحبه با رسانه‌ها مدعی شد که جنگجویان این گروه از بیم چپاول مکان‌های دولتی و خانه‌های مردم مجبور شدند به کابل وارد شوند. به ادعای مجاهد، به‌دلیل این‌که پلیس وظایف خود در کابل را ترک کرده، آنان ناچار شده‌اند به کابل وارد شوند و کنترل آن را به دست گیرند. با این حال این گروه هنوز به بخش‌های از کابل وارد نشده است. آنان هنوز به اطراف فرودگاه کابل نرسیده‌اند؛ جایی که صدها سرباز امریکایی در حال انتقال دیپلمات‌ها، شهروندان کشورهای غربی و مترجمان افغان هستند که حضور طالبان برای‌شان خطر جانی دارد.

در همین حال، بیش‌تر از ۶۰ کشور جهان با صدور بیانیه‌ای مشترک خواستار برقراری امکان خروج امن شهروندان خارجی از افغانستان شده‌اند.

هزاران افغان وحشت زده از مسلط شدن طالبان بر افغانستان، برای فرار از چنگال این گروه تروریست‌های اسلامی، به فرودگاه کابل سرازیر شدند و صحنه‌هایی تاسف‌برانگیز را که در تاریخ جهان، ثبت کردند. در ازدحام جمعیت وحشت‌زده در فرودگاه کابل که مردم با هدف سوار شدن به یک هواپیما برای خروج از کشور بودند، ۵ تن جان باختند و دست‌کم دو تن از روی بال هواپیمای ترابری ارتش امریکا، در حین پرواز، روی باند فرودگاه، سقوط کردند. ازدحام جمعیت در فرودگاه کابل به حدی بود که سربازان امریکایی برای برقراری نظم مجبور به تیراندازی هوایی شدند و گفته شده دو تن از مردم در اثر این تیراندازی نیروهای امریکایی جان خود را از دست دادند.



وحشت در فرودگاه کابل

پنتاگون نیز تایید کرده است که دو نفر به دست سربازان آمریکایی جان باخته‌اند اما هنوز مشخص نیست که چگونه ۳ نفر دیگر در فرودگاه جان باختند. یک مقام آمریکایی گفت که سربازان شلیک هوایی کرده‌اند تا افرادی را که قصد دارند به زور سوار هواپیماهای نظامی شوند منصرف کنند. این هواپیما قصد داشت دیپلمات‌ها و کارکنان سفارت آمریکا را از شهر خارج سازد.

مباحث مربوط به دولت مدرن عمدتاً درباره مشخص کردن قدرت دولت و تبعیت مردم از دولت است. در واقع دولت به دلخواه خود و با در نظر گرفتن منافع‌اش سرنوشت ملت را رقم می‌زند. اگر در جهان غرب دولت‌ها با ده‌ها ترفند انتخاباتی به قدرت می‌رسند اما در قاره‌های دیگر جهان به معنای واقعی انتخابات بی‌معنی و تنها یک نمایش دولتی است. برای مثال ده سال است جنگ داخلی سوریه نصف مردم این کشور را در داخل و خارج کشور آواره کرده و حدود نیم میلیون انسان کشته شده‌اند و میلیون‌ها انسان زخمی و معلول شده‌اند اما با این وجود چند ماه پیش اعلام کردند بشار اسد باز هم با ۹۸ درصد آرای مردم به ریاست جمهوری این کشور انتخاب شده است؟!

اساساً در دوران جهان مدرن پس از فروپاشی فئودالیسم و آغاز دوران مدرن سرمایه‌داری، سؤالات بحث و سؤالات زیادی در باره فلسفه دولت-ملت مطرح شد و هنوز هم مطرح است این که «چگونه باید حکومت کرد؟» به جای «چه کسی باید حکومت کند؟» به رکن اصلی فلسفه سیاسی و نظریه دولت تبدیل شد.

وجه دیگری که در بررسی دولت مدرن اهمیت دارد این است که باید گفت در غرب ذات دولت استبدادی است، ولی این استبداد به مرور زمان ساختارمند و قانونمند شده اما در قدرت‌گیری احزاب محدود می‌شود و آن‌ها تعیین‌کننده هستند نه تنها جنبش‌های اجتماعی. در این کشورها دموکراسی مستقیم وجود ندارد و دموکراسی نیابتی حاکم است. برای مثال، در امپراطوری بزرگ آمریکا که از آن به عنوان «مهدی دموکراسی غربی» یاد می‌شود و در عرصه‌های اقتصادی و نظامی جهان حرف اول و آخر را می‌زند، همواره یکی از دو حزب، یعنی حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات‌ها به قدرت می‌رسند و دولت تک‌حزبی خود را تشکیل می‌دهند. در حالی که گاهی این احزاب، حتی گاهی کمتر از ۵۰ درصد مردم را نیز نمایندگی نمی‌کنند.

الگوهایی که توماس هابز و ژان ژاک روسو در دوران خود از قدرت سیاسی ارائه کرده‌اند، تبعات استبدادی داشت. اما جان لاک انگلیسی توانست بر اساس تجربه‌گرایی فلسفی، مبانی لیبرالیسم سیاسی را پیریزی کند. این اساس توسط جان استوارت میل به عمق بیش‌تری رسید و شیوه‌های عملی نظریه لیبرال دموکراسی مانند انتخابات، آزادی اندیشه، رقابت و... برای ایجاد موازنه میان اقتدار دولت و آزادی مردم ارائه گردید.

بعدها کارل مارکس و فردریک انگلس، این بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی، به عنوان منتقدان جدی دولت مدرن لیبرال، با وجود آن‌که به ارزش سیاسی لیبرالیسم اذعان می‌کردند، بر آن شدند که چون غایت اصلی آزادی‌های سیاسی، که

رسیدن به عدالت و برابری است، از طریق دولت لیبرال محقق خواهد شد، بنابراین نابرابری نظامیافته در اقتصاد سرمایه‌داری توسط دولت لیبرال نهادینه می‌شود و به‌صورت یک نظم اجتماعی در می‌آید که در آن صورت مفهوم آزادی عملاً در حد یک مفهوم انتزاعی باقی خواهد ماند. آزادی در صورتی امکان‌پذیر است که به‌معنای واقعی انتخاب آزاد وجود داشته باشد، در حالی‌که در اقتصاد و سرمایه‌داری لیبرال‌دموکراسی، فقط انحصارگران قادر به انتخاب هستند.

حق با مارکس و انگلس بود. ما در قرن بیست و یکم با دولت‌های هیولایی و خونخوار روبه‌رو هستیم. اگر دولت‌های غربی از ترس اعتراض و اعتصاب شهروندان در کشورهای خود نمی‌توانند زیاده‌روی و زورگویی کنند اما به محض این که پا به کشورهای دیگر می‌گذارند مانند اژدهای هفت سر همه چیز را می‌بلعند و ویران می‌کنند. برای مثال اوضاع لیبی و عراق و افغانستان و سوریه را ببینیم و در میان همه این‌ها دولت‌های مدرن غربی و در راس همه حاکمیت امریکا چه بلاها و مصیبت‌هایی بر سر مردم این کشورها نیاورده‌اند.

دولت-ملت‌سازی یکی از کشفیات انسان مدرن است و سرچشمه در دستفالی دارد. هدف ثبات، امنیت، نظم، رفاه، عدالت، وضع و اجرای قانون از کارکرد حکومت‌ها بود اما حکومت‌ها، نه تنها پاسخگوی نیازهای یک جامعه و مردم نشدند، بلکه عامل اصلی بی‌ثباتی، بی‌نظمی و تنش در یک کشور، منطقه و جهان نیز شدند. در این میان دو کشور افغانستان و عراق سابقه تاریخی طولانی ندارند. در سال ۱۹۲۱ افغانستان به ایجاد سیاست خارجی‌اش اقدام کرد و در سال‌های ۱۹۲۰ افغانستان با اکثر کشورهای بزرگ جهان روابط برقرار کرد و امان‌الله خان در سال ۱۹۲۳ رسماً منحیث شاه افغانستان معرفی شد.

اگرچه افغانستان هرگز بخشی از امپراتوری بریتانیا نبود، اما پس از امضای پیمان میان افغانستان و انگلیس در سال ۱۹۱۹ میلادی، افغانستان استقلال خود را از بریتانیا به‌دست آورد. براساس این معاهده، روابط بی‌طرفانه بین افغانستان و بریتانیا به‌وجود آمد.

با وجود این‌که افغانستان بخشی از امپراتوری بریتانیا نبود، اما بریتانیا سه بار با افغانستان وارد جنگ شد. اولین جنگ افغان و انگلیس در سال ۱۸۳۹ الی ۱۸۴۲ میلادی رخ داد و این جنگ باعث شکست متجاوزان هندی شد که رهبری آنان به دست بریتانیا بود. جنگ دوم افغان و انگلیس در سال‌های ۱۸۷۸ الی ۱۸۸۰ رخ داد که در آن نیروهای بریتانیا شکست خوردند و عبدالرحمن خان منحیث امیر جدید وارد صحنه شد.

پس از این جنگ، صفحه جدید دوستی میان افغانستان و انگلیس به‌وجود آمد. امور روابط خارجی افغانستان به انگلیس داده شد و در مقابل انگلیس وعده کرد که از افغانستان در برابر روسیه و ایران محافظت کند.

در سال ۱۹۰۱ میلادی، حبیب‌الله، پسر عبدالرحمن خان به جای پدر بر مسند قدرت نشست. حبیب‌الله نسبت به پدرش و شاهان پیش از وی، آدم نسبتاً اصلاح‌طلب بود و تلاش کرد تا کشور را به‌سوی پیشرفت و ترقی رهبری کند. وی در جریان حکومت‌اش تلاش کرد تا داروها و فن‌آوری‌های جدید و عصری را به کشور وارد کند و همچنان در کشور اصلاحات به میان آورد.

حبیب‌الله در ۲۰ فبروری سال ۱۹۱۹ در هنگام شکار در ولایت لغمان به قتل رسید. پس از قتل حبیب‌الله، برادر وی نصرالله خان قدرت را به‌دست گرفت و امیر جدید بر مسند قدرت نشست. ولی حکومت او بیش از یک هفته طول نکشید و امان‌الله خان، فرزند سوم حبیب‌الله خان، نصرالله خان را زندانی کرد و خودش قدرت را به‌دست گرفت.

سر انجام جنگ سوم افغان و انگلیس باعث شد که انگلیس کنترل روابط خارجی افغانستان را در سال ۱۹۲۱ میلادی پس به خود افغان‌ها واگذار کند.

حکومت ده ساله امان‌الله خان یک سلسله تغییرات را هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی کشور به وجود آورد. وی در سال ۱۹۱۹ میلادی استقلال کامل کشور را از انگلیس گرفت و با قدرت‌های بیرونی دیگر روابط برقرار کرد. با این وجود حکومت وی به گونه ناگهانی برچیده شد.

در سال ۱۹۲۱ افغانستان به ایجاد سیاست خارجی‌اش اقدام کرد و در سال‌های ۱۹۲۰ افغانستان با اکثر کشورهای بزرگ جهان روابط برقرار کرد و امان‌الله خان در سال ۱۹۲۳ رسماً منحیث شاه افغانستان معرفی شد.

در ۱۴ فوریه سال ۱۹۲۹، امان‌الله خان به هند رفت و در افغانستان جنگ داخلی آغاز یافت. وی از هند به اروپا رفت و در سال ۱۹۶۰ میلادی در سوئیس درگذشت.

عراق نیز در سال ۱۹۲۰ میلادی استقلال خود را از عثمانی به دست آورد و بلافاصله مستعمره انگلستان گردید. هر دو کشور از مشکلات ملی، نژادی و زبانی رنج می‌بردند. این مشکلات موجب گردیده که هر دو کشور منبع ناامنی منطقه‌ای و جهانی باشند. حادثه یازده سپتامبر فرصت مناسبی را برای دولت امریکا فراهم کرد تا ضمن اشغال این دو کشور؛ بر اساس مدل امریکایی دولت-ملت‌سازی دولت فراگیر جدیدی را در این دو کشور مستقر سازند.

افغانستان به دلیل کثرت وجود ملیت‌ها و طوایف، شرایط ویژه جغرافیایی و داشتن همسایگان متعدد با شرایط ویژه اقتصادی، نظامی، سیاسی و مذهبی همیشه مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است. از سال ۱۹۵۰ تا اوایل سال‌های دهه ۱۹۷۰ امریکا بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار وام، کمک بلاعوض و تجهیزات کشاورزی در اختیار افغانستان قرار داده بود. (کلیفورد، ۱۳۶۸، ۲۰۴)

روابط افغانستان و امریکا در فاصله سال‌های دهه ۱۹۵۰ بر اثر مناقشات افغانستان با پاکستان که در همان ایام در تعقیب سیاست‌های سددندی در مقابل شوروی پیمان نظامی با امریکا بسته بود به مشکلاتی برخورد. (کلیفورد، ۱۳۶۸، ۲۰۵)

تا دهه ۱۹۶۰ علائق امریکا در افغانستان تقریباً از بین رفت در حالی که کمک‌های شوروی به میزان زیادی به پروژه‌های استراتژیک زیر بنایی اختصاص یافت. بنابر این از دهه ۱۹۶۰ به بعد شوروی عملاً اقتصاد افغانستان را در انحصار گرفت. (مستوری کاشانی، ۱۳۷۱، ۳۳-۳۵)

روابط اقتصادی رسمی دو کشور از سال ۱۹۵۰ آغاز شد. در سال ۱۹۵۴ شوروی وامی به مبلغ ۳/۵ میلیون دلار به افغانستان پرداخت. به تدریج شوروی بر مقدار وام‌های پرداختی خود به افغانستان افزود به طوری که طبق موافقت نامه ۲۸ ژانویه ۱۹۵۶ این رقم به ۱۰۰ دلار رسید. این مبلغ می‌بایست ظرف ۲۲ سال به شوروی بازپرداخت می‌شد. همچنین در ماده اول قرارداد اعزام متخصصان شوروی به افغانستان پیش بینی شده بود. (ناصری مستوری، ۱۳۷۱، ۳۷)

به غیر از نفوذ سیاسی شوروی در افغانستان که تدریجاً از راه‌های گوناگون و با توجه به حضور همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و نظامی شوروی در افغانستان حاصل گشت، مهم‌ترین علتی که تسلط سیاسی شوروی بر افغانستان را کامل کرد وجود دولت‌هایی است که از سال ۱۹۷۳ در افغانستان به قدرت رسیدند. (کلیفورد، ۱۳۶۸، ۲۴۶-۲۴۷)

نیروهای چپ خلق- پرچم (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) کودتا کردند و کشور را سال‌ها درگیر جنگ کرد. مداخله مستقیم نظامی شوروی، این جنگ داخلی را به زودی به جهاد جهانی به مقابل نیروهای چپ افغان و شوروی سابق

تغییر داده و افغانستان به عرصه جدید جنگ نیابتی کوچک در جنگ سرد تبدیل شد که باعث ظهور تروریست‌های طالبان و القاعده و مداخله نظامی امریکا- ایساف به تعقیب حمله بر ضد امریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گردید.

کودتای ۱۹۷۹ در افغانستان باعث شد تا گروه‌های اسلامی افغانستان با حمایت امریکا و عربستان و پاکستان و... در برابر ارتش شوروی صف‌آرایی کنند. احزاب جهاد اسلامی همچون حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و یونس خالص، اتحاد اسلامی سیاف، محاذ ملی گیلانی، نجات ملی مجددی و... که عمدتاً پشتون بودند در این جنگ شرکت داشتند. پس از مدتی احزاب جهادی بر ارتش شوروی پیروز شده و نیروهای شوروی خاک افغانستان را ترک کردند و برای نخستین بار به‌صورت رسمی و آشکار حاکمیت سیاسی افغانستان در دست ملت تاجیک با ریاست جمهوری برهان‌الدین ربانی قرار گرفت. ملت پشتون که نمی‌توانست این شرایط را تحمل کند با به راه‌انداختن جنگ‌های داخلی دوساله (۱۳۷۱ شمسی) بار دیگر افغانستان را دچار آشوب و ناامنی کرد. در این شرایط نیروی سوم و تازه نفس طالبان که عمدتاً پشتون بودند سریعاً بخش‌های وسیع افغانستان را تحت تسلط خود درآورده و در پاییز ۱۹۹۴ با تسخیر بیش از ۸۰ درصد خاک افغانستان به قطب مهم قدرت تبدیل شدند. (حق‌پناه، ۱۳۹۲، ۱۷۰-۱۷۲)

به این ترتیب، طالبان در فاصله سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۰۲ از جنوب افغانستان ظهور نمودند. (جانسون، بی‌تا، ۵۴) و خیلی سریع توانستند خود را در عرصه سیاسی افغانستان نشان دهند و تنها یک‌جا مانده بود که مخالفان طالبان در آن شهر مستقر بودند و آن مزار شریف بود. طالبان مزار شریف را در سال ۱۹۹۷ تصرف کرد و تقریباً سلطه خود را بر افغانستان کامل کردند. (احمدی، بی‌تا، ۲۴)

در این میان نحوه روی کار آمدن دولت‌ها در افغانستان نیز مهم و حائز اهمیت است. در افغانستان از گذشته سیستم حکومتی بر مبنای فدرالیسم ملی و قبیله‌ای بوده است. دولت‌ها معمولاً با روسا و رهبران قبایل ارتباط نزدیک‌تری برقرار می‌کنند. روسای ملل و قبایل مختلف بستگی به دروی و نزدیکی به خود از رهبران حمایت کرده‌اند و یا با آنها مخالف بوده‌اند. هنگام ضعف دولت مرکزی ملل و قبایل مختلف علیه دولت مرکزی شورش می‌کنند. دولت با ملل و قبایل مختلف به دو یا سه صورت برخورد می‌کند: یکی، دولت بر پایه زور و سرکوب یا تهدید؛ دومی، حکومت بر پایه تطمیع؛ سومی، آمیزه‌ای از دو روش فوق.

روی کار آمدن دولت‌ها نیز به سه روش زیر صورت می‌گیرد: از طریق تطمیع، از طریق کودتا و سرکوب، از طریق مجلس لویه جرگه.

گاهی دولت‌هایی مانند داودخان، تره‌کی و... از طریق کودتا به حاکمیت رسیده بودند. گاهی نیز علاوه بر به کارگیری شیوه‌های نظامی از مجلس لویه جرگه نیز استفاده می‌شده است مانند روی کار آمدن احمدخان ابدالی. تا آن زمان دولتی که بر مبنای آرای عمومی باشد در افغانستان انتخاب نشده بود. حتی دولت‌های مجاهدین که قدرت بیش‌تری داشته‌اند به آرای عمومی مراجعه نکرده‌اند. تشکیل دولت موقت مجاهدین در پیشاور به رهبری سبقت‌الله مجددی، در فردای خروج نظامی شوروی از افغانستان در ۱۹۸۹ بدون هیچ گونه مراجعه‌ای به آرای عمومی، حتی مهاجرینی که در پاکستان بودند صورت گرفت. همچنین پس از سقوط حکومت نجیب‌الله در ابتدای سال ۱۹۹۲ و تشکیل دولت اسلامی مجاهدین به رهبری سبقت‌الله مجددی برای مدت دو ماه و سپس تشکیل دولتی به رهبری برهان‌الدین ربانی به مدت ۴ ماه، بدون مراجعه به آرای عمومی انتخاب شدند. انتخاب ربانی به مدت دو سال دیگر توسط شورای حل و عقد نیز در واقع بدون مراجعه به آراء عمومی صورت گرفت. (علی‌آبادی، ۱۳۷۲، ۲۰۰)

بحث دولت-ملت و شکل‌گیری آن در افغانستان از فراز و فرودها و چالش‌های بسیاری در تاریخ معاصر این کشور برخوردار بوده است. در تاریخ معاصر نیز این کشور ۲۰ سال پیش توسط امریکا و متحدانش اشغال گردید. تمام اقداماتی که در افغانستان انجام می‌گردید از حمایت قبیله‌ای برخوردار بود.

با توجه به این تاریخ می‌توان مهم‌ترین معضلات و چالش‌های پیش روی دولت-ملت‌سازی به‌صورت مختصر این‌چنین بیان کرد: تجاوز و دخالت‌های دولت‌های خارجی (انگلستان، شوروی و امریکا)؛ وجود ملل و قبایل گوناگون؛ استبداد و خودکامگی داخلی؛ عدم شکل‌گیری فرهنگی سیاسی مشترک؛ ناسیونالیسم محلی در تقابل ناسیونالیسم سراسری؛ برخورهای نخبه‌گرایانه حکام؛ عدم توافق بر سر منافع همگانی؛ تفکرات سنتی و عقب‌مانده...

عموماً به‌نظر می‌رسد که دولت-ملت‌سازی اخیر مدل امریکایی در دو کشور افغانستان و عراق موفقیت‌آمیز نبوده است. افغانستان و عراق با چالش و محدودیت‌هایی برای دولت-ملت‌سازی مواجه هستند که این چالش‌ها مانع از تداوم روند دولت-ملت‌سازی در این دو کشور هستند.

این سیاست امریکا در افغانستان به کلی نقش بر آب شد. احتمالاً به زودی امریکا همین سناریوی سیاه و مخرب افغانستان را در عراق نیز آغاز خواهد کرد.

البته می‌توان دلایل زیادی را در باره شکست دولت-ملت‌سازی در افغانستان و عراق بیان کرد از جمله:

در افغانستان مشکلات ملی و اجتماعی و مذهبی، مشکلات سیاسی ناشی از ضعف دولت مرکزی، مشکلات اقتصادی، مشکلات آموزشی؛ فرهنگی؛ بهداشتی، شورش‌های دائمی، عدم ثبات، دخالت کشورهای همسایه و یا جهان و به‌طور کلی دخالت از بیرون در مسائل داخلی افغانستان.

در عراق هم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: برتری منافع گروهی و فرقه‌ای بر منافع عمومی که موجب شده آرای مردم بر همین اساس باشد، اختلافات مذهبی و تاثیر کشورهای همسایه بر روی گروه‌ها و ملل داخلی و...

این موارد در دو کشور موجب شده است تا دولت-ملت‌سازی در افغانستان و عراق موفقیت چندانی کسب نکند. با توجه به این که دولت-ملت‌سازی مدل امریکایی در افغانستان و آن‌هم به مدت طولانی ده دهه هیچ موفقیتی به‌دست نیاورده است.

بازتولید جنگ‌های خونین در عرصه افغانستان، مجدداً راه را برای ظهور برای ظهور طالبان مهیا کرد. در اواخر سال ۱۹۹۶ گروه اطلاعاتی طالبان اعلام موجودیت کرد و حدود یک سال بعد از آن، استان هرات و بالاخره در سال ۱۹۹۵ کابل را تسخیر کرد. با ورود طالبان به شهر کابل، دانشگاه این شهر تعطیل، دختران و زنان از ورود به خیابان‌ها و آموزش و اشتغال منع شدند. تلویزیون کابل، تعطیل و رسماً فعالیت آن‌ها حرام اعلام شد و سینماها و مراکز فرهنگی نیز به آتش کشیده شد.

این عملکرد وحشیانه و غیرانسانی طالبان و اعتراضات جهانی در کنار اهداف امریکا در منطقه سبب شد تا تصمیم امریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تهاجم نظامی خود را به افغانستان را عملی کرد. این جنگ پس از ۹ سال با وجود پیروزی ظاهری و اشغال این کشور همچنان در سال ۲۰۱۰ نیز با تغییر دولت در کاخ سفید ادامه داشت و موجب تحولات جدید در ژئوپلیتیک افغانستان گردید. از خصوصیات این تحولات حضور نیروهای ناتو، طولانی شدن جنگ، عدم سرکوب طالبان، ناامنی و رشد تروریسم در پاکستان، از صحنه خارج شدن مجاهدین و روی کار آمدن افغان‌های غرب‌گرا شد. اما همچنان شاهد بحران دولت-ملت و جنگ و ناامنی در افغانستان هستیم.

مجموعه تحولات فوق باعث شد تا پروسه ایجاد دولت-ملت هیچ‌گاه در افغانستان نتواند روندی رو به پیش به خود گیرد. مجموعه مشکلات کنونی در این کشور باعث شود همچنان سیستم قبایلی به عنصر تعیین‌کننده در کنش سیاسی افغان‌ها

قرار داشته باشد و نهایت امریکا و طالبان با همدیگر کنار آمدند و همور تمام نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان خارج نشده‌اند طالبان قدرت را بگیرد.

به این ترتیب افغانستان تاریخ تلخی را در قرن بیستم تجربه کرده بود اکنون مردم این کشور این تجارب تلخ را در قرن بیست و یکم نیز شدیدتر از آن قرن تجربه می‌کند.

هم‌اکنون کابل، پایتخت پنج میلیونی افغانستان وضعیت معیشتی مناسبی برای شهروندانش ندارد. طالبان امروز ۱۶ اوت ۲۰۲۱ رسماً حاکمیت خود بر افغانستان را آغاز کرد.

شدت نبردها و سقوط ولایت‌ها یکی پس از دیگری به دست افراد گروه طالبان افتاد، مردم در حال شوک هستند و نسبت به آینده خود ناامید هستند و هزاران خانواده را مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان کرده و به کشورهای همسایه گریخته‌اند.

هر چند افغانستان در ۲۰ سال گذشته کماکان درگیر ناآرامی‌ها بوده است اما پس از سال ۲۰۱۴ میلادی که روند انتقال مسئولیت‌های امنیتی از نیروهای بین‌المللی مستقر در افغانستان آغاز شد و به ویژه پس از امضای تفاهم‌نامه رسمی میان زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه وزارت امور خارجه امریکا با هیات گروه طالبان در دوحه-قطر، میدان‌های جنگ در این کشور و داع و داعتر شد.

شدت ناامنی‌ها و ناآرامی‌ها پس از آن افزایش یافت که امریکا به دنبال تفاهم با گروه طالبان جدول زمان‌بندی شده خروج نیروهایش از افغانستان و همین گونه نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را از افغانستان اعلام کرد.

با شدت نبردها در کشور در نخست مرحله سقوط ولسوالی‌ها یکی پس از دیگری آغاز شد و افراد گروه طالبان در کمتر از دو ماه بیش از ۱۵۰ ولسوالی افغانستان را تصرف کردند و به‌دنبال آن حملات‌شان را بر بزرگ شهرها و مراکز ولایات آغاز کردند. اقدامی که سبب کشتار و بی‌خانمان شدن هزاران خانواده از گوشه و کنار کشور شده است.

با گریختن مردم از شهرها به طرف کابل و از کابل به طرف مرزها، ایران و ترکیه نیز وحشت زده از سیل مهاجران پا به فرار افغانستان ابتدا مرزهای خود را بستند و سپس شتاب‌زده اردوگاه‌هایی برای این مهاجرین نزدیک مرزهای خود برپا کردند. کشورهای اروپایی نیز نگران این سیل مهاجرین جدید فشارهای خود را به سازمان ملل و به‌ویژه پاکستان که حامی و مقر اصلی رهبران طالبان است آغاز کردند.

حتی برخی خبرها از ترکیه حاکی از آن است که اتحادیه اروپا باز هم به دولت فاشیست رجب طیب اردوغان رییس جمهور ترکیه، رشوه داده که اجازه ندهد پناجویان افغان به سوی اروپا حرکت کنند.

روسیه خواهان تشکیل شورای امنیت سازمان ملل شد. هم برای یافتن راه‌حلی برای این مهاجرت گسترده و هم برای جلوگیری از خشونت‌ها و رفتارهای غیر انسانی طالبانی که وارد شهرها می‌شوند.

گروه اسلامی طالبان پشتون هستند و اصلاً زبان هزاره‌ها و ازبک‌ها و تاجیک‌های افغانستان را نمی‌دانند و این خود نه تنها از مشکلات کنونی، بلکه مشکلات بسیار مهم دولت آینده طالبان در افغانستان است.

پیش از خروج اشرف غنی رییس جمهوری مورد حمایت افغانستان از کشور و سرگردان شدن روی آسمان کشور تاجیکستان، دفتر طالبان در قطر یک کنفرانس خبری تشکیل داد تا با توحشی که طالبان در شهرها آغاز کرده‌اند، بگوید آن‌ها، طالبان ۲۰ سال پیش نیستند. با کار زنان در خارج از خانه، حضور آن‌ها در خیابان‌ها و باز شدن دانشگاه‌ها و مدارس موافق‌اند و...

نظیر همین نشست خبری در مزار شریف نیز برگزار شد و فرماندهان طالبان که این شهر را تصرف کرده اند تقریباً همان نکاتی را که رهبران طالبان در قطر گفتند، آن‌ها نیز تکرار کردند تا بلکه بتوانند جلوی وحشت و فرار مردم را بگیرند.

پس از خروج اشرف غنی از افغانستان، واحدهایی از طالبان وارد کابل شدند و در نخستین اقدام خود در اطراف بانک‌ها و ساختمان‌های دولتی مستقر شدند.

کابل برخلاف ارزیابی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و کشورهای عضو ناتو خیلی سریع سقوط کرد. سخنگوی طالبان از پایان جنگ در افغانستان خبر داده است. محمد نعیم اعلام کرده که طالبان برای اداره کشور آماده گفت‌وگو با شخصیت‌های افغان و جامعه جهانی است.

رویتزر به ارزیابی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در مورد کابل اشاره کرده است. این سازمان‌ها چند روز پیش گفته بودند که تصرف کابل دست‌کم سه ماه طول خواهد کشید. این در حالی است که طالبان بدون مقاومت قابل ملاحظه‌ای موفق به تصرف این شهر شدند.

موقعیت کنونی طالبان در سطح منطقه و جهان با طالبان ۲۰ سال پیش بسیار متفاوت است. طالبان آن دوره را بیش از چند دولت محدود و انگشت‌شمار به رسمیت نشاخشند اما طالبان امروز با توافق مستقیم آمریکا و اعضای ناتو به قدرت برگشته است. همین چندی پیش ظریف وزیر خارجه جمهوری دولت شیخ حسن روحانی از نمایندگان طالبان در تهران پذیرایی گرامی کرد و در مقابل آن‌ها دولا و راست می‌شد و تعظیم می‌کرد. همین دیروز در تهران در تهران از صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا روزنامه کیهان از طالبان به نیکی یاد کردند و به نوعی به سایر رسانه‌ها نیز توصیه کردند به طالبان احترام بگذارند.

روزگاری بود که جمهوری اسلامی ایران با نیروهای دیگر علیه قدرت‌گیری طالبان همکاری می‌کرد. ولی بعد معلوم شد که شماری از سران طالبان را در ایران پناه داده و با آن‌ها برنامه همکاری ریخته است.

جمهوری اسلامی ایران در دیدارهایی با سران طالبان در تهران و مشهد، تلاش برای بیرون راندن نیروهای آمریکایی از افغانستان را هم‌آهنگ می‌کرده‌اند. امروز جمهوری اسلامی ایران گروه طالبان را رسماً «امارت اسلامی» لقب داده که منظور نوعی خلیفه‌گری این گروه متعصب اهل تسنن می‌باشد.

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه دولت حسن روحانی، در دیداری که با گروهی از سران طالبان در تهران داشت، نبرد آن‌ها را «جهاد» خواند و از آن تقدیر کرد. او گفت: «افتخار داریم که از جهاد برادران افغانی خود حمایت می‌کنیم.»



ظریف در حال پذیرایی از هیات طالبان در تهران

در برخی گزارش‌ها آمده است که جمهوری اسلامی ایران از چند سال پیش به‌طور مخفیانه برای طالبان پول و اسلحه می‌فرستاد تا ارتش آمریکا در آن کشور را زمین گیر کنند. ولی این فعالیت کاملاً محرمانه بود و جمهوری اسلامی به‌طور علنی از این گروه جانبداری نمی‌کرد.

یکی از نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی ایران، چند ماه پیش در سخنانی از طالبان به عنوان «جنبش اصیل منطقه» نام برده بود.

جواد ظریف در مصاحبه‌ای که توسط یک شبکه تلویزیونی افغان به نام طلوع نیوز با او به عمل آمد، ادعا کرده بود که از سفرهای رهبران طالبان به ایران آگاهی ندارد. ولی در ضمن گفت که یکی از رهبران پیشین طالبان به نام ملا برادر، به ایران آمد و با وزیر خارجه دیدارهایی داشت.

چندی پیش فردی که به عنوان کارشناس، در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گفت، قاطعانه گزارش‌ها درباره جنایات طالبان را انکار کرد و ادعا کرد که خبر شیعه کشی توسط طالبان یک دروغ بزرگ است. روسیه تنها کشوری است که گفته ما هیچ نگران آمدن طالبان نیستیم و به همین دلیل سفارتخانه و کنسولگری‌هایمان در افغانستان نیستیم و تغییری در آن‌ها به وجود نمی‌آوریم.

دولت چین با پیش‌بینی تغییر قدرت در منطقه، چندی پیش در شهر تیانجین میزبان هیاتی از نمایندگان طالبان بود. وانگ یی، وزیر خارجه چین، روز ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۱ با ملا عبدالغنی برادر، رهبر ارشد طالبان، و هشت نماینده دیگر آن گروه دیدار کرد و به گزارش اپکتایمز، این نشان‌دهنده آن است که پکن طالبان را به‌عنوان یک نیروی سیاسی مشروع در افغانستان به رسمیت شناخته است.

براساس بیانیه وزارت خارجه چین، وانگ در جریان این دیدار از طالبان خواست تضمین کند به اسلام‌گرایان افراطی که ممکن است در غرب چین، یعنی منطقه سین‌کیانگ، به دنبال ترتیب دادن حملاتی باشند، پناه ندهد. در این بیانیه آمده است که برادر با این درخواست موافقت کرده و گفته است طالبان «هرگز به هیچ نیرویی اجازه نمی‌دهد که از خاک افغانستان به اقدامی علیه منافع چین دست بزنند».

چین با افغانستان بیش از ۷۵ کیلومتر مرز مشترک دارد و براساس این گزارش، از مدت‌ها پیش، نگران احتمال وقوع شورش اسلامی در سین‌کیانگ، محل سکونت ۱۳ میلیون مسلمان اویغور، بوده است.

اپک تایمز می‌نویسد: «در حالی که پکن به‌طور علنی از طالبان خواسته است تا به دنبال توافق صلح با دولت مرکزی تحت حمایت ایالات متحده باشد، کارشناسان معتقدند که حکومت خود را برای افغانستانی به رهبری طالبان آماده می‌کند تا طرح‌های توسعه حزب کمونیست چین (CCP) در آسیای مرکزی را پیش ببرد.»

سردا تریفکوویچ، متخصص جهادگرایی و کارشناس روابط خارجی در موسسه شارلمانی به اپکتایمز گفت: «روز به روز روشن‌تر می‌شود که به‌زودی پس از تکمیل خروج ایالات متحده از افغانستان، طالبان به قدرت بازمی‌گردد یا دست‌کم به‌عنوان یک نیروی سیاسی برجسته در آن کشور بار دیگر مستقر خواهد شد.»

او افزود: «بنابراین منطقی است که چین باید به دنبال ایجاد برخی روابط (با طالبان) باشد، به‌ویژه با توجه به منافع ژئوپلیتیک پکن در منطقه و در صدر آن، بندر گوادر در منطقه بلوچستان که یکی از جنبه‌های کلیدی کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) است و نقشی حیاتی در ابتکار کمربند و جاده دارد.»

به گفته او، «از نظر چین تلاش برای رابطه با یک افغانستان تحت سلطه طالبان که با طرح کریدور اقتصادی چین-پاکستان و دیگر پروژه‌ها همراه باشد، هم محتاطانه است و هم قابل تحقق.»

۱۱ سپتامبر عاملی بود که امریکا به طولانی‌ترین و خونین‌ترین درگیری نظامی دست بزند. حمله به برج‌های دوقلو، هواپیمایی که به پنتاگون برخورد کرد، و آن یکی که در مزرعه‌ای در پنسیلوانیا به زمین خورد، در ابتدا موجی از احساسات ناسیونالیستی را در امریکا برانگیخت. حتی در برخی جاها جوانان به مراکز سربازگیری نیروهای نظامی مراجعه کردند تا داوطلب خدمت شوند. به امریکا حمله شده بود؛ این «میهن پرستان» می‌خواستند از کشورشان (سرزمین آزادگان و ابرقدرت جهان) دفاع کنند، و از کسانی که دنبال آسیب زدن به امریکا بودند انتقام سختی بگیرند.



دیدار سرزده بایدن از افغانستان در سال ۲۰۱۱ به عنوان معاون رییس‌جمهور

در حال حاضر روشن نیست پشت پرده طالبان و امریکا چه توافقاتی کرده‌اند. اما می‌توان احتمال داد که رسیدن سریع و غافلگیرانه طالبان به کابل و فرار اشرف غنی رییس جمهوری این کشور نمی‌تواند بدون اطلاع امریکا و نهادهای امنیتی امریکایی - اروپایی صورت گیرد. طبق قرار قبلی امریکا و طالبان قرار بود شمار قابل توجهی از کارمندان شرکت‌های خصوصی امنیتی قراردادی، که برای امریکا کار می‌کنند در افغانستان بمانند. بنا به تحقیقات کنگره امریکا تا چهار ماه آخر سال ۲۰۲۰ تعداد این دسته از شهروندان امریکایی به بیش از هفت هزار و ۸۰۰ نفر می‌رسید.

در حالی که نظامیان امریکایی از عملیات تهاجمی دور شده و توجه خود را بیشتر بر آموزش نیروهای افغان متمرکز می‌کردند، هزینه‌ها هم به مقدار زیادی کاهش یافت.

طبق آمار دولت امریکا، در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲، که امریکا بیش از ۱۰۰ هزار سرباز در افغانستان داشت، هزینه‌های جنگ افزایش یافت و به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در سال رسیده بود.

در سال جاری میلادی یک مقام ارشد وزارت دفاع امریکا در کنگره این کشور اعلام کرد که در سال ۲۰۱۸ هزینه سالانه نزدیک به ۴۵ میلیارد دلار بوده است.

به گفته وزارت دفاع امریکا، جمع هزینه نظامی امریکا در افغانستان (از اکتبر ۲۰۰۱ تا سپتامبر ۲۰۱۹) بالغ بر ۷۷۸ میلیارد دلار شده است.

علاوه بر این، وزارت خارجه امریکا - به اتفاق آژانس امریکا برای توسعه بین‌المللی و سایر آژانس‌های دولتی - ۴۴ میلیارد دلار صرف پروژه‌های بازسازی کرده است.

با این حساب، بر اساس داده‌های رسمی در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹ جمع هزینه‌ها ۸۲۲ میلیارد دلار بوده، ولی پولی که امریکا در پاکستان، به عنوان پایگاهی برای عملیات مرتبط با افغانستان مصرف کرده، در این محاسبه منظور نشده است.

بنا بر مطالعات دانشگاه امریکایی Brown در سال ۲۰۰۹، که به هزینه‌های جنگی امریکا هم در افغانستان و هم پاکستان پرداخته، امریکا بیش از ۹۷۸ میلیارد دلار خرج کرده است. (در این محاسبه بودجه‌ای که به سال مالی ۲۰۲۰ نیز اختصاص داشته در نظر گرفته شده)

در این بررسی یادآور شده از آنجا که روش‌های حساب‌رسی ادارات مختلف دولتی متفاوت است و علاوه بر این در طی زمان تغییر می‌کند، تخمین کل هزینه‌ها مشکل است.

بخش اعظم پولی که در افغانستان خرج شده، صرف عملیات ضد شورش و نیز رفع احتیاجات سربازان امریکایی مانند غذا، لباس، مراقبت‌های پزشکی، پرداخت حقوق و مزایای ویژه شده است.

ولی داده‌های رسمی نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۲ امریکا هم‌چنین حدود ۱۴۳ میلیارد و ۲۷ میلیون دلار صرف عملیات بازسازی در افغانستان کرده است.

بیش از نیمی از این مبلغ (۸۸ میلیارد و ۳۲ میلیون دلار) هزینه تقویت نیروهای امنیتی افغانستان از جمله ارتش ملی افغانستان و نیروی پلیس بوده است.

نزدیک به ۳۶ میلیارد دلار به حکومت و توسعه اختصاص یافته ولی مبالغ کمتری هم صرف فعالیت‌ها برای مبارزه با مواد مخدر و کمک‌های «بشر دوستانه» شده است.

در طول سال‌ها بخشی از این پول به دلیل خلاف‌کاری و سوءاستفاده به هدر رفته است.

در اکتبر ۲۰۲۰ در گزارشی به کنگره امریکا، نهادی که مسئول نظارت بر تلاش‌های بازسازی در افغانستان است، تخمین زده بود که بین ماه مه سال ۲۰۰۹ و ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ حدود ۱۹ میلیارد دلار به این ترتیب از بین رفته است.

از سال ۲۰۰۱ که جنگ علیه طالبان شروع شد، بیش از ۲۳۰۰ سرباز امریکایی در حین عملیات جنگی کشته و نزدیک به ۲۰ هزار و ۶۶۰ سرباز امریکایی نیز مجروح شدند.

ولی آمار تلفات سربازان امریکایی تحت الشعاع تعداد تلفات نیروهای امنیتی و نظامی افغانستان، قرار می‌گیرد.

اشرف غنی، رییس جمهور سابق افغانستان در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد که از پنج سال قبل که به مقام ریاست جمهوری رسید بیش از ۴۵ هزار نفر از نیروهای امنیتی افغانستان کشته شده‌اند.

بنا بر تحقیقات دانشگاه Brown در سال ۲۰۱۹، از تاریخ شروع جنگ در اکتبر ۲۰۰۱، شمار تلفات نظامیان و پلیس در افغانستان از ۶۴ هزار و ۱۰۰ نفر بیش‌تر بوده است.

به گفته UNAMA از سال ۲۰۰۹ که به طور منظم ثبت تلفات غیرنظامیان جنگ افغانستان را شروع کرده حدود ۱۱۱ هزار غیرنظامی کشته یا مجروح شده‌اند.

در پایان می‌توان تاکید کرد که با توجه به رویدادهای عراق و افغانستان و ضرباتی که مردم این کشورها و زیرساخت‌های اقتصادی آن‌ها آسیب‌های زیادی دیده‌اند مناسب‌ترین آلترناتیو این است که روند دولت-ملت‌سازی را کنار گذشت و به مشارکت عمومی، تقویت روحیه اتحاد و همبستگی، آزادی، دموکراسی مستقیم، آموزش شهروندان و ارتقا میزان آگاهی، اعتماد خلق‌ها و مذاهب مختلف به‌همدیگر، رفع هرگونه تبعیض جنسیتی و ملیتی، رفع استثمار انسان از انسان، آبادی و خدمات‌رسانی که موجب افزایش کارآمدی و ارتقاء سطوح آگاهی و اتحاد مردم تاکید کرد. و در نتیجه روند دخالت همگانی همه شهروندان بدون توجه به ملیت و جنسیت و گرایش‌های سیاسی و باورهای مذهبی، تبلیغ و ترویج و سازمان‌دهی خودمدیریتی دموکراتیک شورایی در این کشورها و یا سایر کشورهای خاورمیانه پیش گرفت.

چنین جهت‌گیری و افق و چشم‌اندازی می‌تواند تاثیر مثبت بر این جوامع داشته باشد و از تکرار مصیبت‌ها و جنگ‌ها و کشتارها و آورگی‌ها جلوگیری کند.

دوشنبه بیست و پنجم مرداد [اسد] ۱۴۰۰ - شانزدهم اگست ۲۰۲۱